

متن پرسش

مغفولات_جنگ برای گذار از دوگانه (جنگ_معیشت) سر تفنگ را نباید فقط به سمت اصلاح طلبان تندرو بگیریم. مشهود است که آن ها تلاش می کنند معیشت را دستاویز تحقق لیبرالیسم مطلق و تقابل با سیاست مقاومت جمهوری اسلامی سازند. اما آنچه مشهود نیست سر طیف دیگر است که حقیقتا معیشت را به بهانه جنگ و مقاومت قربانی می کند و درد آنکه برخی تحت تاثیر آن هستند. غافل از اینکه این سناریو بخشی از همان پازل طیف اصلاح طلب است منتها در سمت راست میدان! باید مقاومت کرد. باید در میدان بود. باید خیابان را حفظ کرد. باید عرصه نظامی را حفظ کرد. باید زندگی کرد. باید با خانواده بود. باید تفریح رفت. باید کار کرد. و صدها باید دیگر. اگر این باید ها در کنار هم قرار نگرفتند آن وقت عده ای خواهند گفت: باید مقاومت کرد. باید در میدان بود. باید خیابان را حفظ کرد. باید عرصه نظامی را حفظ کرد. اما باید زندگی کرد. اما باید با خانواده بود. اما باید تفریح رفت. اما باید کار کرد. و صدها امای دیگر! بخش مشکل ساز ماجرا همین اما هاست! چرا اما؟ مگر این ها دوگانگی یا حتی فاصله ای دارند؟ این ها عین هم و در امتداد هم هستند! مقاومت سبک زندگی و شیوه زندگی ماست. نه یک عنصر تحمیل شده بر آن. آنچه این دوگانگی را می سازد و کم کم مردم را از میدان حضور به در می کند ساخت این اما هاست. و این اما ها در شیوه تحلیلی غلط و رفتارهای غلط ما انقلابیون و مذهبی ها رخ می دهد. خاطره ای از حضرت امام نقل شده است که عده ای وارد منزل ایشان می شوند و خطر جدی ورود بالگرد های آمریکایی (حمله آمریکایی ها) را به ایشان با اضطراب متذکر می شوند. نقل شده که حضرت امام در حال نشان دادن یک گل به نوه شان بودند و در همین حال بدون اینکه از این کار دست بکشند فرمودند (آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند!) و سپس نشان دادن همان گل را ادامه دادند و با لبخند مکالمه را با نوه شان ادامه دادند. حتی برخورد امام هنگام ورود به کشور (احساس خاصی ندارم!) و مواردی از این دست گویای همین است که وزنه توحید در سینه ی حضرت امام باعث شده بود که ایشان به این راحتی ها تحت تاثیر اتفاقات جا به جا نشوند! زندگی همواره برای حضرت امام ادامه داشت و اتفاقا همین روحیه مقاومت بود که زندگی را جریان می بخشید و به آن شأنی عارفانه و آرام می داد! زندگی که مختل نمی شد! نمونه ای در زندگی ایشان نمی یابید که برخوردشان با خانواده یا اعمال عبادی شان متاثر از تنش های سیاسی و جنگ و مقاومت شده باشد. چون اتفاق مقاومت بود که به زیست ایشان اینقدر آرامش و ثبات بخشیده بود. ما کجای کاریم که گاهی به سبب حضور در خیابان و تحت تاثیر جنگ و مقاومت گاهی نمازمان هم قضا می شود! گاهی مدیریت نمی کنیم و دیگر نمی توانیم برای خانواده، تفریح، دوستی،

صله رحم و حتی عبادت آنگونه که لازم است وقت بگذاریم. ما بعضا در ساحت درستی قرار نداریم مگر نه اتفاق حضور در خیابان باید سبب افزایش همدلی ها، صله رحم ها، افزایش کیفیت عبادات، حتی افزایش رزق ما شود. عده ای وانمود می کنند که مقاومت نمی تواند وارد معیشت مردم شود و آن را مختل خواهد کرد. اما به گونه ای نباشد که اندیشه و رفتار و عملکرد ما همین امر را به گونه ای دیگر تایید کند که : معیشت نمی تواند وارد مقاومت مردم شود و به واقع معیشت و پرداختن به زندگی سبب مختل شدن مقاومت خواهد شد. هر دو این ها دو روی یک سکه اند. حال آنکه وزنه توحید در سینه و اندیشه انسان آنچنان معیشت و مقاومت را در هم تنیده می سازد که زیستن عین مقاومت کردن و مقاومت کردن عین زیستن است. باید مثل حضرت امام بود. برادر و خواهر عزیز مبدا مقاومت و حضور شما در صحنه خیابان به زندگی شخصی تان، به روابط شما با خانواده و دوستانتان، به کمک شما به پدر و مادران، به سلامت زندگی و یا کیفیت عبادت های شما تاثیر منفی بگذارد که اگر چنین باشد مکر و راهزنی شیطان است. در ساحت توحید زندگی شخصی و مقاومت به هم برسند نه تنها تناقض و دوگانگی درکار نخواهد بود بلکه مطابق سیره شهدا رشد در یکی رشد در دیگری را خواهد داشت. دستی که می خواهد این دو را از هم تفکیک کند دست شیطان است. چه با دست راست بیاید چه با دست چپ! اگر این ها از هم جدا شدند. کالبدی از خود خواهید ساخت که بدون فراگیری روح توحید، تلاش می کند صرف چند دیدگاه سیاسی در میدان حاضر باشد و در نهایت نیز با همان دیدگاه از میدان خارج خواهد شد «نمی توان با تفکر جناحی حضور در صحنه تاریخی امروز را محقق ساخت.» مقاومت عین زندگی است. زندگی کنید تا مقاومت کنید! و مقاومت کنید تا زندگی کنید! هیچ کس به اندازه امام زیستن را تجربه نکرد! و هیچ کس به اندازه امام در تولد مقاومت در این صحنه تاریخی نقش نداشت! م.ح.ک سلام و رحمت خدمت استاد عزیز. ممنون میشم نظر و دیدگاه خودتون رو در خصوص متن بالا بیان بفرمایید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همه سخن و همه زندگی در همیشه تاریخ یک کلمه بیشتر نیست که خداوند در خطاب به هر آن کس که انسانیت انسان ها را درک می کند، می فرماید: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» (نساء/۷۵) چرا در راه خدا، مردان و زنان و کودکانی که تضعیف شده اند، پیکار نمی کنید؟! همان افراد (ستم دیده ای) که می گویند: «پروردگارا! ما را از این شهر که اهلش ستمگرند، بیرون ببر! و از طرف خود، برای ما سرپرستی قرار ده! و از جانب خود، یار و یابوری برای ما تعیین فرما» آیا سبک و جایگاه ما در نسبت با مظلومان عالم بخصوص مردم فلسطین چنین جایی نیست؟ و آیا راز مقابله جبهه استکبار و صهیونیسم با ما به جهت همین دفاع مقدس از مظلومان نمی باشد تا از این طریق در سنت دفاع از حق در مقابل باطل قرار

گیریم؟ که راز آرامش حضرت سیدالشهدای انقلاب یعنی امام خامنه‌ای بود.

حقیقتاً روزنه توحید الهی یعنی قلب حضرت روح الله «رضوان الله تعالی علیه» جز همین راه نبود که در آیه فوق با همه بشریت در میان گذاشته شد زیرا در این حالت است که اتفاقاً زندگی در سلامت خود ادامه می‌یابد در مقابل روح رانت‌خواران و الیگارش‌ها که معلوم نیست چه چیزی را به نام زندگی برای خود تعریف کرده‌اند که همه چیز هست جز زندگی. آری! حقیقتاً آن کس که زندگی و مقاومت را دو چیز می‌داند، حقیقتاً در اختیار شیطان قرار خواهد گرفت زیرا در راهی که رهبر الهی این تاریخ در مقابل مردم ما گشودند؛ قرار ندارد. و در این مورد برای خودآگاهی تاریخی باید سخن‌ها گفت. موفق باشید